

آسیب های غفلت از تزکیه نفس در طلاب از دیدگاه امام خمینی

گل بهار چابوک^۱

چکیده:

زندگی طلاب در حوزه های علوم دینی باید براساس سبک تهذیبی تبیین و بررسی شود. از این رو مبلغ علوم دینی باید روح خود را از سرچشمه ی نور الهی سیراب نموده تا بتواند راهنمای به نور و راه گشای گره های روحی و معنوی افراد در جامعه شود تا بتواند موجب سرافرازی دین مبین اسلام باشد. لذا هدف طلاب حوزه های علوم دینی باید علاوه بر تحصیل ، روی مسئله تهذیب هم کار کنند چنانچه امام خمینی(ره) نیز در این زمینه تاکیداتی فرموده اند. از این رو این مقاله بر آن است که با روش توصیفی در صدد است تمام تلاش خود را کرده تا با دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) که خود الگوی به تمام معنای طلاب حوزه های علمی و دینی هستند سبک زندگی صحیح طلاب را بررسی نموده و آثار و پیامد های عدم توجه به تزکیه نفس طلاب را که نتیجه آن ۱-عادی شدن گناه ۲-گرایش به تجملات بالاترین خطر برای دنیا و آخرت ۳-تخریب وجه اسلام به واسطه عالمان بی تقوا ۴-دنیاطلبی و خروج از زی طلبگی ۵-بالاترین خطر برای دنیا و آخرت ۶-عوامل دین گریزی می باشند را ترسیم کنند.

کلید واژه: تزکیه ، نفس ، طلبه

^۱ طلبه سطح دو

مقدمه:

با پیشرفت جوامع امروزی و تهاجمات فرهنگی که بر جهان، فشار روحی و روانی ایجاد کرده است، حضور پررنگ طلاب و مبلغین حوزه علوم دینی موجب ایجاد روزنه ای برای سازندگی جامعه ی مهدوی در زمینه سازی ظهور حضرتش خواهد بود. درحالی که در کشور ما عدم مدیریت صحیح زندگی شخصی و معنوی طلاب موجب دین گریزی و گاهی تحجر گرایی در میان مردم عادی و حتی تحصیل کرده های حوزه های علمیه شده است به نحوی که اگر خودسازی نباشد دگرسازی نیز میسر نخواهد بود. حضرت امام خمینی(ره) در زندگی خویش نیز توجه ویژه ای به بحث تزکیه نفس داشته و همین امر موجب پیشرفت فکری و معنوی ایشان شده و الگوی به تمام معنا برای طلاب بوده است لذا برای رسیدن به این مسئله این تحقیق بر آن است که سبک تهذیبی زندگی طلاب از دیدگاه امام خمینی(ره) را بررسی نماید.

در زمینه تهذیب نفس طلاب بررسی های مختلفی انجام گرفته است که شامل آیات قرآن کریم، کتب حدیثی، روایی و نوشته های علوم دینی می باشد. برای مثال ذیل آیاتی در باب تهذیب و تزکیه نفس به آن اشاره شده است همچون تفسیر آیت الله مکارم شیرازی و تزکیه نفس دکتر محمد حسن آموزگار و همچنین کتب اخلاقی، اخلاق در قرآن آیت الله مکارم شیرازی و شرح چهل حدیث و صحیفه سید روح الله خمینی(ره) و... را شامل می شود. از این رو این مقاله درصدد است تا آسیبهای عدم توجه به ترکیه نفس در طلاب از دیدگاه امام خمینی (ره) چیست را مورد بررسی قرار دهد.

۱- مفهوم شناسی تهذیب:

تهذیب، اصطلاحی عرفانی و اخلاقی. تهذیب در لغت به معنای پاکیزه کردن، اصلاح کردن، خالص کردن و شتاب کردن است.

ظاهراً تنها خواجه عبدالله انصاری از اصطلاح تهذیب به استقلال و به تفصیل سخن گفته است.

خواجه عبدالله انصاری در منازل السائرین (ص ۷۱-۷۲) برای تهذیب سه مرتبه قائل شده است: تهذیب خدمت، تهذیب حال و تهذیب قصد. تهذیب خدمت شامل پیراستن خدمت از جهالت نسبت به شرایط و آداب خدمت در خانقاه و به شیخ و همچنین از عادت کردن به خدمت و سرانجام پیراستن خدمت است از اینکه سالک به آنچه در مقام خدمت میکند، قانع راضی شود. تهذیب^۲ حال عبارت است از: (۱) پیراستن حال از گرایش به علم. در سلوک، مرتبه علم قبل از حال است و حال مرتبه ای بعد و فراتر از علم است. سالکی که از مرتبه علم گذر

^۲ تلمسانی، ج ۱، ص ۱۸۷، عبدالرزاق کاشی، ص ۱۶۳

کرده و صاحب حال شده با اموری مواجه می شود که در مرتبه علم نیست؛ از این رو نباید حال را به میزان و معیار علم بسنجد، زیرا حال، روح عمل و معرفت، روح علم است. بنابراین اگر سالک بعد از بدست آوردن احوال معرفت بخواهد به مرتبه علم بازگردد، سیر قهقرایی خواهد پیمود. ۲) پیراستن حال از رسوم، یعنی سالک نباید بر قلب خود رسمی از رسوم خلق را که مخالف حقیقت باشد، مسلط کند. ۳) پیراستن حال از توقف در حظوظی که در یک مقام حاصل می شود. تهذیب قصد به معنای پیراستن نیت از اکراه و اجبار در عمل، پاسداری از نیت در برابر سستی و تنبلی و سرانجام پیراستن قصد از گرایش به اغراض و تمایلاتی است که علم به بار می آورد، زیرا علم میخواهد که عمل برای جلب سود و دفع ضرر و به مقتضای وعد و وعید باشد، در حالی که سالک در تهذیب باید در نهایت به مرحله ای برسد که نه تنها عمل بلکه مقام تهذیب خود را هم نبیند، چه رسد به اینکه مزد و ثوابی از عمل بخواهد.^۳

مفهوم شناسی تزکیه

زکات به معنی نموی است که نتیجه برکت خداوند تعالی است و برای امور دنیایی و آخرتی هر دو به کار می رود. برای اینکه بگویند زراعت نمو و برکت داراست (زکا. یزکوا) به کار می برند. در آیه ایها ازکی طَعَاماً^۴ اشاره به حلال بودن غذا است. زکاه به معنی حقی است که خداوند از مال اغنیاء برای فقراء معلوم فرموده است. با پرداخت زکاه امید آن است که مال برکت کند، و یا نفس فرد پرداخت کننده به لحاظ خیرات و برکات نمو پیدا کند و این هر دو خیر در پراخت زکات وجود دارد. بدون پاکیزه نگه داشتن نفس دستیابی به مقام شامخ و درجات عالی غیر ممکن است.

جَنَاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَرَكَ^۵

زکات در کتاب لغت معین به معنی خلاصه چیزی و برگزیده شیء وارد شده است. در المنجد: زگی یعنی نمو کرد و زیاد شد از کی الزرع یعنی زراعت نمو. کرد تزکی یعنی نمو کرد و زیاد و پاکیزه شد.

زاکي به معنی طیب و پاکیزه زکی بمعنی نمو کننده و پاکیزه و صالح و پاک از گناه.

تزکیه در بعضی موارد به بنده نسبت داده شده است مانند قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَرَكَ^۶ به تحقیق رستگار

شد هر کس نفس خود را آراست. تزکیه در مفهومی که معادل اصطلاح «خودسازی است در سنوات اخیر در گفتار و نوشتار زبان فارسی فراوان دیده میشود و استعمال میگردد.

^۳ دانشنامه جهان اسلام، غلامعلی حداد عادل، تهران، دایره المعارف اسلامی ۱۳۷۵، ص ۶۹۰

^۴ سوره مبارک کهف، آیه ۱۹

^۵ سوره مبارک طه، آیه ۷۶

^۶ سوره مبارک اعلی، آیه ۱۴

در قرآن کریم مشتقاتی از واژه تزکیه و تزگی بکار رفته و منظور از تزکیه ایجاد رشد مطلوب و پاکیزه از آلاینده‌ها در نفس است.

عکس واژه تزکیه تدسیه است دستی که اصل آن دس است به معنی آلوده کردن است. انسان در اتخاذ تصمیم و انجام عمل آزاد است و خوبی را از بدی به حکم عقل و فطرت تشخیص می‌دهد اگر خوبی کرد، نفس خود را پاک نگه میدارد و اگر بدی کرد نفس خود را آلوده می‌کند قرآن کریم می‌فرماید: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؟ همانا رستگار شد هر کس که پاک کرد نفس خود را، و نومید شد هر کس که آلوده ساخت آنرا در نتیجه تفاوتی در معنای لغوی تزکیه و تهریب نیست و هر دو به معنای پاکسازی، نفس رشد مطلوب و خالص کردن است (اسلام) و تزکیه نفس؛ دکتر محمد حسن آموزگار، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

مفهوم شناسی نفس طلاب

واژه «زی» که در زبان فارسی و عربی استعمال می‌گردد اسم ثلاثی مجرد از ریشه «روی» و بر وزن فعل که بر اثر قواعد اعلال عین الفعل، آن به یا تبدیل و سپس در فاء الفعل ادغام شده است. معادل فارسی این واژه شکل و هیئت، ظاهری جلوه خارجی و صورت مشهود افراد است از بررسی موارد استعمال این کلمه به دست می‌آید که این واژه تنها درباره انسان به کار می‌رود و در خصوص لباس نیز کاربرد فراوان تری دارد.^۷

در زبان فارسی این واژه به معنای جان، حیات، زندگی روح و نفس آمده و اسم از مصدر زیستن یا فعل امر از آن است.

بدین ترتیب زی طلبگی در زبان عربی به معنای نمای ظاهری طلبه و صورت مشهود حیات او است و در زبان فارسی، به معنای حیات طلبگی و زیست با او.

هریک از اصناف اجتماعی با هدف رفع یکی از نیازهای زندگی انسان پدید آمده است. بدون شک، نیاز انسان منحصر در تامین خوراک، پوشاک و آسایش مادی نیست. نیاز غیرمادی انسان، به مراتب از نیاز مادی اش فراوان تر و اساسی تر است زیرا حقیقت انسان و انسانیت او در گرو عناصر غیرمادی است.

از جمله این نیازها، نیاز به وحی، نیاز به دین، و نیاز به هدایت آسمانی است.

^۷ (درآمدی بر زی طلبگی، هنجارشناسی جلوه‌های رفتاری حوزویان، محمد عالم زاده نوری، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۳۱)

آسیب های عدم توجه به تزکیه نفس طلاب:

۱- عادی شدن گناه در دنیا:

دستورانی را که خدا به انسان داده از واجبات و محرمات - حساب شده است. همانطور که بزرگان ما فرموده اند خداوند هر چیزی را بر بندگان خود واجب کرده مصلحت آن را در نظر گرفته است. هر کدام از نماز، روزه، حج، زکات خمس، امر به معروف و نهی از منکر و غیره را که بر بندگان خود واجب فرموده برای صلاح حال آنها است. پس کسی که واجبات را بجا می آورد، علاوه بر این که در آخرت به او ثواب و جزا داده می شود در دنیا نیز به او نورانیت و معنویت می بخشد، مورد الطاف خدا واقع می گردد، باعث رفع بلا و گرفتاری ها می شود و همینطور محرمات الهی را که بخاطر خدا ترک می کند. به علاوه بر اجر اخروی در دنیا نیز مورد لطف خدا قرار گرفته و معنویت به او می بخشد.

و کسانی که دستورات خدا را نادیده گرفته و احبات را ترک می کنند و مرتکب محرمات می شوند. علاوه بر اینکه در آخرت مجازات می شوند و مورد عتاب و سرزنش قرار می گیرند و با حالت شرمندگی در محضر عدل الهی حضور پیدا می کنند. در دنیا نیز مورد خشم خدا قرار گرفته و ممکن است به بلاها و عذابهایی گرفتار شوند و هر گناهی را که انسان مرتکب شود در حد خودش اثر سویی ایجاد می کند. امام رضا(ع) درباره ترک امر به معروف و نهی از منکر فرموده الله التامین بالعرف و لتنه عن المنکر أو لیستعمل علیکم شرارکم فیدعوا خیارکم فلا یستجاب لکم الامر به معروف و نهی از منکر کنید و اگر نه بدان و اشرار بر شما مسلط می شوند. پس خوبان که دعا کنند، دعایشان مستجاب نشود).

روایات درباره بازتاب گناه در دنیا:

۱- عن أبي جعفر (ع) قال: قال رسول الله (ص) خمس إن أدركتموهن فتعوذوا بالله منهن لم تظهر الفاحشة في قوم قط حتى يعلبوها إلا ظهر فيهم الطاعون والايحاج التي لم تكن في أسلافهم الذين مضوا ولم ينقصوا المكيال والميزان إلا أخذوا بالسنين وشدة المؤنة وجود السلطان ولم يمنعوا الزكّات إلا منعوا القطر من السماء ولولا البهائم لم يمطروا ولم ينقضوا عهد الله وعهد رسوله إلا مسلّط الله عليهم عدوهم وأخذ بعض ما في أيديهم ولم يحكموا بغير ما أنزل الله عزوجل الأجل الله بأسهم بينهم^۸ (امام باقر (ع) فرمودند که رسول خدا (ص) فرمود پنج چیز را اگر درک نمودید از آنها بخدا پناه برید: ۱ - آشکار شدن کار خلاف عفت که در این صورت در میان آنها طاعون و دردهایی که در گذشت نبوده، پدیدار گردد. ۲ - کم فروشی نکنید که در این صورت به

^۸ وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۴۱

در مرکز علم خود را اصلاح نکردید، معنویات کسب نمودید، به هر جا که بروید العیاذ بالله، مردم را منحرف ساخته، به اسلام و روحانیت بدبین خواهید کرد^{۱۲}

عدم تهذیب نفس، به سرانجام نرساندن وظیفه روحانیت

اگر سایر مردم توجه کنند که ملاها روی هواهای نفسانی با هم مختلف هستند، طلبه ها روی هواهای نفسانی با هم مختلف هستند، مردم از شما رو برگردانند، (اگر) از شما رو برگردانند، اسباب شکست شماست، شکست شما شکست اسلام است. وظیفه شما سنگین است آقا! شما باید با اخلاق خودتان، با اعمال خودتان مردم را دعوت کنید.

شما هادی مردم هستید. شما باید چراغ باشید. شما باید نور باشید. تهذیب کنید نفوس خودتان را. حب دنیا را از نفستان بیرون کنید، ((رأس کل حطیئه))^{۱۳} است.

صدمه به اسلام به واسطه عالمان بی تقوا

راجع به مدرسه ها و حوزه ها کرارا عرض کردم که علم بی تقوا اگر مضر نباشد، مفید هم نیست. آن مقداری که اسلام از عالم های بی تقوا صدمه دیده است، معلوم نیست از مردم عادی دیده باشد. آنچه اصل است، تقواست؛ ولی اگر همین تقوا نزد اشخاصی جاهل باشد، گاهی ضرر می زند. آدم هایی که ظاهر صالح دارند ممکن است به واسطه ناآشنایی به مبانی اسلام، اشتباهاتی انجام دهند؛ اما علم و تقوا اگر در کسی جمع شد در دنیا و آخرت سعادتمند است.^{۱۴}

تخریب وجهه اسلام به واسطه عالمان بی تقوا

در ارباب ریاضات و سلوک اشخاصی هستند که ریاضت و اشتغال آنها به تصفیه نفس قلوب آنها را متکدرتر و باطن آنها را ظلمانی تر نموده و اینها از آن است که بر سلوک معنوی الهی و مهاجرت الی الله محافظت ننمودند و سلوک علمی و ارتیاضی آنها با تصرف شیطان و نفس به سوی شیطان و نفس بوده و همین طور در طلاب علوم نقلیه شرعیه اشخاصی را دیدیم که علم در آنها تأثیر سوء بخشیده و بر مفاصد اخلاقی آنها افزوده و علم

^{۱۲} جهاد اکبر، ص ۱۲

^{۱۳} صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۸۴

^{۱۴} صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۰۰

که موجب فلاح و رستگاری آنها باید باشد باعث علاکت آنها شده و آنها را به جهل و عمارات و استطاله. و ختل کشانده^{۱۵}

دنيا طلبی و خروج از زی طلبگی

حوزه های روحانیت محل تدریس و تعلیم و تبلیغ و رهبری مسلمانان است. جای فقهای عادل و فضلا و مدرسین و طلاب است. جای آنهاست که امانتدار و جانشین پیغمبران هستند. محل امانتداری است؛ و بدیهی است که امانت الهی را نمی توان به دست هر کس داد آن آدمی که می خواهد چنین منصب مهمی را به عهده بگیرد و ولی امر مسلمین و نایب امیر المؤمنین باشد و در اعراض اموال و نفوس مردم، مغانم، حدود و امثال آن دخالت کند باید منزّه بوده دنیا طلب نباشد. آن کسی که برای دنیا دست و پا میکند، هرچند در امر مباح باشد، امین الله نیست، و نمی توان به او اطمینان کرد. آن فقیهی که وارد دستگاه ظلمه میگردد و از حاشیه نشینان دربار ها می شود و از او امرشان اطاعت می کند، امین نیست و نمی تواند امانت دار الهی باشد.^{۱۶}

باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند، لذا زی اهل علم خودتان را حفظ کنید. دست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید. درگذشت چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگیشان از سطح معمولی مردم پایین تر بود و یا مثل آنها بود. امروز سعی کنید زندگیتان از زی آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می شوید؛ برای اینکه مردم میگویند ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می کردند، امروز که دارند و دستشان می رسد از مردم فاصله گرفتند، باید وضع مثل سابق باشد، باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم^{۱۷}

بالترین خطر برای دنیا و آخرت

من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که بحمدالله روحانیت متعهد اسلام

^{۱۵} آداب الصلوه. ص ۲۱ و ۲۲

^{۱۶} ولایت فقیه، ص ۱۴۶

^{۱۷} صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۵۲ و ۴۵۳

امتحان زهد گرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از این برای خدشه دار کردن چهره این مشعل داران هدایت و نور، دست به کار شوند و با کمترین سوژه ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که انشاءالله موفق نمی شوند.^{۱۸}

هیچ چیز به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست من اکثر موفقیت های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان میدانم.

و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت.

هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله ای هم نمی تواند بدتر از دنیاگرایی روحانیت را آلوده کند چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزی های بی مورد مسیر زهد گرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوء استفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است باید به شدت مواظب حرکات خود بود چه بسا افرادی از سازمانها و انجمنها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند.^{۱۹}

عوامل دین گریزی از منظر امام خمینی(ره)^{۲۰}

امام خمینی(ره) درباره تاثیر نوع رفتار و عمل روحانیت در بین مردم میفرماید:

((خدای ناخواسته در بین قشر معممین و علما خلاقی واقع نشود که مردم بگویند: نمایندگان اسلام هم برخلاف اسلام عمل میکنند. این مثل سایر گناهان نیست... این گناه بزرگی است که ما اسلام را در خطر انداخته ایم و اسلام را برخلاف آنچه هست نمایش داده ایم... اگر دیدید که یک معمم بر خلاف موازین اسلام، خدای ناخواسته می خواهد عمل کند، همه موظف اند جلوی او را بگیرند.^{۲۱}

^{۱۸} صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۲ و ۳۴۳

^{۱۹} درسهایی از امام، اخلاق و تهذیب روحانیت، تألیف رسول سعادت‌مند انتشارات تسنیم، ص ۳۴ الی ۳۶ و ۶۲ الی ۶۵ و ۶۹ الی ۷۰

^{۲۰} (آسیب شناسی دین و معرفت دینی، تألیف مهدی نکوئی سامان، انتشارات بوستان کتاب، ص ۲۲۰ الی ۲۲۱)

^{۲۱} صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳

نتیجه گیری:

وظیفه سنگین هدایت به سوی نور، لاجرم نورانیت را خواهان است و این نور جز در تلاش برای کسب مقام تزکیه و مراقبت بر افعال حاصل نمی شود همو که پیامبر رحمت را برای هدایت بشر مامور به بندگی کرد، از رهروان و مبلغشان به راه ایشان، جز بندگی را انتظار ندارد.

حال تصور کنید کسی که خود به سوی نور قلم فرسایی و سخنرانی میکند، خود در حضيض تاریکی نفس خویش در بندی از بند های دنیا گرفتار بوده و از بیماری گناهی رنجیده باشد، به همان اندازه باعث دوری و دلزدگی جوان از مکتب اسلام خواهد شد چرا که در اولین دیدگاه از سوی جوان ، یک طلبه به معنای عامل به کل اسلام خواهد بود و کمترین قصور در افکار و افعال و گفتار به پای اسلام نوشته می شود.

منابع و مأخذ:

- ۱- تلمسانی ج ۱ ، عبدالرزاق کاشی ، ص ۱۸۸ ۱۶۴ ۱۶۵ قس نعمه الله ج ۳ ص ۱۲۱
- ۲- شرح چهل حدیث ، سید روح الله خمینی ، چاپ ۵۷ ، ص ۱۹۴ ۱۹۵
- ۳- جهاد اکبر ، سید روح الله خمینی ، چاپ نهم
- ۴- آداب الصلوه ، سید روح الله خمینی ، چاپ هفتم
- ۵- صحیفه امام(ره) ؛ سید روح الله خمینی ، ج ۶ ، چ ۲۰
- ۶- ولایت فقیه ، سید روح الله خمینی ، ج ۱
- ۷- وسائل الشیعه، شیخ حرعاملی ، ناشر موسسه آل البيت ، ج ۱۱ ، باب ۴۱
- ۸- بحار الانوار ، محمد باقر مجلسی ، ج ۷۳ ، چاپ چهارم
- ۹- درآمدی بر زی طلبگی هنجارشناسی جلوه های رفتاری حوزویان محمد عالم زاده نوری ، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ، ص ۳۱ الی ۳۳
- ۱۰- درسهایی از امام ، اخلاق و تهذیب روحانیت تالیف رسول سعادت مند انتشارات تسنیم ، ص ۳۴ الی ۳۶ و ۶۲ الی ۶۵ و ۶۹ الی ۷۰
- ۱۱- دانشنامه جهان اسلام، غلامعلی حداد عادل، تهران، دایره المعارف اسلامی ۱۳۷۵ ، ص ۶۹۰